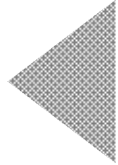


نگاه الگوی پیشرفت اسلامی به اهداف توسعه هزاره ملل متحد



هادی دادمهر^۱

(تاریخ دریافت ۹۴/۳/۲۸ - تاریخ تصویب ۹۴/۶/۱۶)

چکیده

پانزده سال پیش در سال ۲۰۰۰ میلادی رهبران جهان در اجلاس هزاره ملل متحد در مورد تلاش برای دستیابی به مجموعه‌ای از اهداف توسعه‌ای قابل نیل در زمانی محدود و مشخص توافق کردند. در این راستا در حالی که بشر می‌بایست تا سال ۲۰۱۵ میلادی به نتایج موفقیت‌آمیزی در مبارزه با فقر، گرسنگی، بیماری، بیسوادی، تخریب محیط زیست و تبعیض علیه زنان دست می‌یافت متأسفانه در کثیری از حوزه‌ها نتایج مطلوب حاصل نگردید. این نوشتار تلاشی است از جانب محقق برای برجسته ساختن زمینه‌های مغفولی که امکان نیل به اهداف توسعه را خصوصاً در کشورهای اسلامی از طریق رجوع به آموزه‌های شریعت هموار خواهد ساخت. مفروض نظری مقاله این خواهد بود که در جوامع مسلمان می‌توان با بهره‌گیری از ظرفیت‌های نظام اعتقادی مسلمین به گونه‌ای اقدام کرد که احساس مسئولیت و اقدام عملی شهروندان برای عملیاتی کردن این اهداف برانگیخته شود. برای اثبات این فرضیه تلاش می‌شود تا مبتنی بر آموزه‌های اعتقادی و ایمانی، ضمانت اجراهای مؤثری برای التزام درونی دینداران به مشارکت در امور توسعه جوامع مسلمان به دست داده شود.

واژگان کلیدی: اسلام، توسعه، اهداف هزاره سوم، حقوق مذهبی، تکالیف مذهبی.

مقدمه (اعتقاد و توسعه)

اجلاس هزاره ملل متحد در سپتامبر سال ۲۰۰۰ میلادی را می‌توان حرکتی نمادین توسط سران جامعه جهانی در مبارزه با معضلاتی دانست که سعادت، سلامت و رفاه بشر را تهدید می‌کند. در این اجلاس در مورد مجموعه‌ای از هدف‌های قابل حصول در زمانی محدود و مشخص توافق حاصل گردید و بنا شد رهبران دولت‌ها با بسیج تمام ظرفیت‌های داخلی و بومی خود به مبارزه جدی با مهم‌ترین چالش‌های فراروی بشریت بپردازند. این هدف‌ها که در نقطه مرکزی برنامه کار جهانی قرار داده شدند، اینک "هدف‌های توسعه هزاره" نامیده می‌شوند. اعتقاد عموم در آن زمان بر این بود که با تعیین این اهداف و مقاصد، افراد و گروه‌های ملی و بین‌المللی شروع به فعالیت نموده و علی‌الاصول همکاری‌های تازه‌ای برای پیشرفت شکل خواهد گرفت و زمینه سنجش و ارزیابی جریان امور توسعه و پیشرفت نیز فراهم می‌گردد. در این میان حتی اگر فرض را نیز بر صحت این گزاره بگذاریم که جهان در حال پیشرفت در جهت نیل به هدف‌های توسعه هزاره قرار دارد اما باز هم باید اعتراف کرد که این پیشرفت نابرابر بوده و در اکثر نقاط کمتر توسعه یافته جهان با ضرباهنگ بسیار آهسته در حال حدوث است. در این شرایط به نظر می‌رسد که اکثریتی عظیم از کشورها، فقط در صورتی به هدف‌های توسعه هزاره دست خواهند یافت که بتوانند ظرفیت‌ها و استعداد‌های بومی خود را پرورش داده و فعال‌سازی نمایند.

اساساً مفهوم "توسعه" چیزی جز یک "اعتقاد" نیست. اعتقاد، محور و ستون عملکرد فعالان توسعه در هر بخش و سطحی است و نمی‌توان بدون برخورداری از یک باور اصیل و واقعی مسیر توسعه را با قدرت و به صورت یکنواخت طی نمود. نویسنده این تحقیق معتقد است مذهب در این معنی یک منبع ذی‌قیمت برای توسعه محسوب می‌شود چرا که با تبیین وظایف ذاتی انسان در کمک به هم‌نوع و ترسیم آینده ایده‌آل، نقش بسیار اثرگذاری را در جهت‌دهی ذهنی انسان ایفا می‌کند. در حوزه مطالعات توسعه وقتی سخن از رابطه مذهب و توسعه پیش می‌آید عموماً به نقش گروه‌های مذهبی پرداخته می‌شود نه افراد مذهبی. اما اگر قرار باشد مذهب را به عنوان یک حوزه شخصی و خصوصی نیز مورد مطالعه قرار بدهیم که در آن افراد

می‌تواند احساسات، دغدغه‌ها، آرزوها و نگرانی‌های خود را به راحتی بروز بدهند، آیا باز هم می‌توان از این ظرفیت در مسیر توسعه استفاده کرد؟ پاسخ نویسنده به این سؤال مثبت است و اعتقاد دارد که با مراجعه به این منبع می‌توان از ظرفیت اعتقادات دینی در جهت نوع‌دوستی و توسعه روزافزون اجتماعات بشری بهره گرفت. مذهب نقش تعیین کننده‌ای در شناخت انسان‌ها از خود و از آرمان‌هایشان ایفا می‌کند و باورها و کنش‌های مذهبی تأثیر شگرفی بر مناسبات اجتماعی بین انسان‌ها به جای می‌گذارد. فلذا به کمک مذهب هم "می‌توان" و هم "باید" تلاش کرد تا با تکیه بر عوطف الهی و انسانی به رفع فقر و گرسنگی، بی‌سوادی، تخریب محیط زیست و کثیری از انواع نابسامانی‌های رایج در جوامع کمک نمود.

در شروع بحث و به منظور طرح روشمند و عملگرایانه موضوع بهتر دیده شد تا اهداف تعیین شده در سند توسعه هزاره مورد بررسی قرار بگیرند. در ادامه میزان گنجایش شاخص‌ها توسعه هزاره برای بهره جستن از ظرف لایتناهی آموزه‌های اعتقادی و دینی به بحث گذاشته خواهد شد. اعلامیه هزاره که حاصل نشست سران ۱۸۹ کشور جهان در سپتامبر ۲۰۰۰ بوده، هشت هدف مهم را مد نظر قرار می‌دهد که اکنون تحت عنوان اهداف توسعه هزاره^۱ شناخته می‌شوند. این اهداف عبارتند از: ریشه کنی فقر مطلق و گرسنگی^۲، تأمین آموزش ابتدایی در سطح جهان^۳، برابری و توانمندسازی زنان^۴، کاهش مرگ و میر اطفال^۵، بهبود سلامت مادران^۶، مبارزه با ایدز، مالاریا و سایر بیماری‌ها^۷، تضمین پایداری محیط زیست^۸ و نهایتاً مشارکت جهانی برای توسعه^۹. در این تحقیق تلاش می‌شود تا با بومی‌سازی بستر تحلیلی موضوع، میزان گنجایش اهداف توسعه برای استفاده از ظرفیت نامحدود شریعت اسلام به عنوان مذهب رایج و غالب در

۱-Millennium Development Goals(MDGs)

۲-Eradicate Extreme Poverty and Hunger

۳-Achieve Universal Primary Education

۴-Promote Gender Equality and Empower Women

۵-Reduce Child Mortality

۶-Improve Maternal Health

۷-Combat HIV/AIDS, Malaria, and other Diseases

۸-Ensure Environmental Sustainability

۹-Develop a Global Partnership for Development

جامعه ایرانی به مخاطب بازشناسانده شود. در این راستا ضمن ملحوظ داشتن محدودیت‌های نوشتاری مقاله، تلاش می‌شود تا به نحو شایسته‌ای به تبیین برخی از حقوق و تکالیف برگرفته از دستورات مذهبی مسلمانان در ارتباط با اهداف توسعه هزاره پرداخته شود. این امر فرصت بی‌ظنیری را در اختیار سازمان‌های مردم‌نهاد و به ویژه NGOهای مذهبی قرار می‌دهد تا با شناسایی و سرمایه‌گذاری بر این ظرفیت‌ها بتوانند نسبت به بسیج قابلیت‌های داخلی در جهت حذف موانع توسعه اقدام نمایند.

همچنین باید تصریح نمود که این تحقیق مبتنی بر روش تحقیق اسنادی و کتابخانه‌ای است و در آن سعی شده است تا با مراجعه به کتابخانه و سایت‌های اینترنتی از منابع معتبری برای تقویت مبانی نظری تحقیق استفاده شود. الگوی تحلیلی این تحقیق نیز مبتنی بر روش تحقیق همبستگی خواهد بود. در این روش تحقیقاتی کوشش محقق بر کسب اطلاع از وجود رابطه بین متغیرها استوار است و در عین حال که حوزه تحقیق موارد بسیاری را در برمی‌گیرد اما محقق در آن می‌کوشد، دو یا چند دسته از اطلاعات مختلف مربوط به یک گروه یا یک دسته از اطلاعات مربوط به دو یا چند گروه مختلف را با هم مقایسه کند؛ به این منظور که رابطه یک یا چند عامل را با یک یا چند عامل دیگر کشف کند و میزان همبستگی میان آنها را به دست آورد. بدیهی است که در این الگوی تحلیلی الزامی به اثبات رابطه "علی معلولی" بین متغیرها وجود نخواهد داشت و هدف اصلی نشان دادن همبستگی و نفس وجود ارتباط بین متغیرهاست.

نگاه الگوی پیشرفت اسلامی به صیانت از محیط زیست

بحران‌های زیست محیطی کل نظام طبیعت را تهدید می‌کنند. تخریب محیط زیست از طریق نابودی جنگل‌ها، انقراض گونه‌ها و به آلودگی کشیدن زمین در حالی صورت می‌پذیرد که امروزه محور بحث بسیاری از کنوانسیون‌ها ملی و بین‌المللی در سرتاسر دنیا پایدارسازی محیط زیست است. بحران زیست محیطی تبلور خارجی یک بیماری و رنج درونی است که انسان مدرن را به ستوه در آورده است. در حقیقت انسان مدرن به جای آسمان به زمین اصالت داده است و اکنون زمین را نیز دقیقاً به دلیل نداشتن آسمان از دست می‌دهد (نصر، ۱۳۷۷: ۷۸). انسان محوری با تأکید بر ابعاد مادی‌اش در دوره رنسانس بود که نضج گرفت. این دورانی است که

در آن علم تجربی^۱ و نه علم به معنای حکمت^۲ صرفاً متحول نمی‌شود بلکه مقام و منزلتی پیدا می‌کند که به عنوان معیار و عامل ارزیابی همه چیز حتی دین و فرهنگ نیز ایفای نقش می‌نماید (امین‌زاده، ۱۳۸۱: ۹۸). در جنگ انسان با طبیعت که از انقلاب صنعتی شروع شد، انسان در یکه‌تازی پیروزمندانه خود در صحنه‌های نبرد، از حربه‌های کارآمدی بهره گرفت. نمونه آن استفاده از تولیدات شیمیایی جنگی است که طبیعت را دیوانه‌وار از بین می‌برد. در این گونه جنگ‌ها تیر خلاص به یکباره زده نمی‌شود بلکه طبیعت، به صورت تدریجی از پا در می‌آید. حضور سران و مقامات بلند پایه ۱۸۱ کشور جهان در بزرگ‌ترین گردهمایی سازمان ملل متحد با نام کنفرانس محیط زیست و توسعه، معروف به کنفرانس ریودو ژانیرو در سال ۱۹۹۲ میلادی بیانگر عمق فاجعه تخریب محیط زیست است. فاجعه‌ای که چهره مصیبت بارش هر روز بیشتر آشکار می‌شود و ابعاد دلهره‌آور آن سرنوشت کل انسان‌ها را تحت تأثیر قرار می‌دهد.

بهترین نقطه شروع برای تبیین جایگاه طبیعت در شریعت اسلام را می‌توان توجه به نام و اسامی سوره‌های قرآن قرار داد؟ سوره "بقره" که بزرگترین سوره قرآن است اشاره به نام گاو به عنوان یکی از اعضای طبیعت دارد. "انعام" چهارپایان هستند. "انفال" ناظر بر کویر و جنگل و دریا و دریاچه می‌شود. "رعد" به معنی رعد و برق بوده و "نحل" به معنی زنبور عسل نیز در کنار "نمل" به معنی مورچه و نیز "عنکبوت" از جمله موجودات طبیعی هستند که در قرآن سوره‌های جداگانه‌ای به آنها اختصاص داده شده است. "کهف" به معنی غار، بخشی از عناصر نظام طبیعت است. "نور" یک پدیده طبیعی است و "دخان" به معنی دود و "حدید" به معنی آهن نیز بخشی از طبیعت محسوب می‌شوند. "حجرات"، "ذاریات" و "طور" و "نجم" از کوه و سنگ و ستاره و عناصر طبیعی سخن می‌گویند. بنابراین می‌شود گفت ده‌ها سوره قرآن به نام طبیعت اشارت دارد. اسلام دینی است که اسامی سوره‌هایش برگرفته از طبیعت است و این در ابتدایی‌ترین مفهوم این معنی را به ذهن متبادر می‌کند که مسلمان تافته جدا بافته‌ای از طبیعت و نظامات حاکم بر دنیای طبیعی نیست.

خاک به عنوان خارجی‌ترین لایه پوستی زمین در تولید غذا، ذخیره و پالایش و انتقال آب نقش

۱- Science

۲- Wisdom

مهمی دارد و محل زندگی گونه‌های مختلف جانوری و گیاهی و منبع مواد خام است. خداوند درباره خاک میفرماید: ما شما را از زمین آفریده‌ایم و بدان باز می‌گردانیم و بار دیگر شما را از آن بیرون می‌آوریم. اسلام با تشویق افراد به احیا و استفاده بهینه از زمین در جهت حفاظت از خاک، گام بزرگی برداشته است. پیامبر فرموده‌اند من احیا ارضاً میتة فیهی له یعنی هر کس زمین بایری را آباد کند، مالک آن می‌شود. از آنجا که آلوده نمودن و تخریب خاک از مصادیق فساد و در تعارض با مقاصد شرع است می‌توانیم با استناد به این کلیات، تقبیح این رفتار را نتیجه بگیریم. همچنین از اموری که باعث فرسایش و تخریب خاک می‌شود، قطع درختان و جنگل‌زدایی است که در این رابطه احادیث فراوانی در نهی از قطع درختان و تشویق درختکاری وجود دارد: ما من مسلم یغرس أو یزرع زرعاً فیاکل منه طیر أو انسان أو بهیمه إلا کان له به صدقه یعنی هر مسلمانی درختی بکارد و از محصول آن، پرنده یا انسان یا حیوانی بخورد، برای آن فرد صدقه محسوب می‌شود (امیدی، ۱۳۹۳: ۲۵).

فلذا از جمله تأکیدات اسلام بر نقش مسلمان در حفاظت از محیط زیست می‌توان به سفارش دین اسلام به درخت کاری اشاره نمود که در آن آمده است حتی اگر قیامت می‌خواهد به پا شود و شما نهالی در دست دارید و فقط چند لحظه وقت دارید و می‌توانید نهال را بکارید، باید آن نهال را بکارید. قرآن به نقش آب در پاکیزگی نیز اشاره می‌کند و می‌فرماید: وَ أَنْزَلْنَا مِنَ السَّمَاءِ مَاءً طَهُورًا؛ از آسمان آبی فرو فرستادیم که پاک و پاک‌کننده است (فرقان: ۴۸). قرآن همچنین می‌فرماید أَنْشَأَكُمْ مِنَ الْأَرْضِ (هود: ۶۱) یعنی شما را از زمین آفرید، و بعد می‌فرماید وَ اسْتَعْمَرْتُمْ فِيهَا (هود: ۶۱) از شما خواستم که زمین را آباد کنید.

اصولاً در تعالیم اسلامی، طبیعت در زمره مهم‌ترین آیات الهی معرفی می‌شود که تفکر و تعقل درباره عناصر و ارتباط آنها با یکدیگر، انسان را به شناخت بهتر عالم وجود و در نهایت به شناخت خالق هستی و وحدانیت او رهنمون می‌کند. به بیان دیگر، طبیعت در بسیاری از آموزه‌های اصیل اسلام یکی از ابزارهای شناخت معرفی شده است و متفکران اسلامی نیز بر این امر تأکید کرده‌اند. همه اینها لزوم ارتباط نزدیک و مداوم بین انسان و طبیعت را ضروری می‌نماید تا امکان بهره‌گیری از این آیات الهی و تفکر در آنها فراهم آید. قرآن تمام عالم طبیعت را یکسره آیه و نشانه برای شناخت ماوراء طبیعت می‌خواند (مطهری، ۱۳۶۷: ۵۹). خداوند تعالی، با تأکید بر اینکه نظام هستی بر اساس صلاح آفریده شده است، در چندین مورد

از ایجاد فساد در این نظام نهی می‌کند. بر اساس آموزه‌های اسلام خداوند می‌فرماید در روی زمین فتنه و فساد نکنید و لهذا دور از منطق نیست که با استفاده از مبانی فکری استاد مطهری، استفاده نابخردانه و غیر مدیریت شده از منابع طبیعت و بهره‌برداری از آن را، از مصادیق نهی الهی بدانیم. قرآن کریم، کسانی را که به تخریب مظاهر زیبای خداوند دست می‌زنند و نظام باشکوه آفرینش را از بین می‌برند، نکوهش می‌کند و نارسایی‌ها و مشکلات روی زمین را ناشی از اعمال انسان‌های فاسد می‌داند.

فراوانی ادبیات مربوط به طبیعت در قرآن، نامگذاری سوره‌های قرآن با برخی از عناصر طبیعی، و سوگند قرآن به برخی از پدیده‌های طبیعی جملگی حاکی از توجه خاص اسلام به نظام طبیعت است. در قرآن کوه محل تجلی پروردگار، پرندگان لشکر خداوند، دریا خوان گسترده نعمت‌های الهی و درخت وسیله گفتگوی خداوند با حضرت موسی (ع) عنوان شده است. در تفکر اسلامی همه موجودات اعم از جاندار و بی جان قابل احترامند و اساساً هر آنچه که از این سو بی جان و خاموش به نظر می‌رسد، آن سویی که به سوی پروردگار است زنده و گویاست چرا که مطابق آموزه‌های دینی هر آنچه در آسمان و زمین و بین آنهاست (یعنی همه اجزای طبیعت و هستی) در حال تسبیح خداوند بوده و در این میان به نظر می‌رسد که بدیهی‌ترین و حداقلی‌ترین تکلیف یک مسلمان آن است که عامل تخریب و تباهی طبیعت و عناصر موجود در آن نباشد (امین‌زاده، ۱۳۸۱: ۱۰۳).

نگاه الگوی پیشرفت اسلامی به ریشه‌کن‌سازی فقر و گرسنگی

در تعریف سازمان ملل، افرادی فقیر تلقی می‌شوند که درآمدی کمتر از یک دلار در روز، به ازای هر فرد از افراد خانواده نصیب آنها می‌شود. در همین ابتدای بحث باید گفت بر خلاف آنچه عموماً تبلیغ می‌شود از دیدگاه اسلام فقر ضرورتاً به عنوان یک پدیده ممدوح به حساب نیامده و به تعبیری حتی قرین کفر معرفی شده است. در عین حال برخی ممکن است از بعضی روایات برداشت دیگری کرده و فکر کنند که اسلام نه تنها پدیده فقر را مذمت نکرده بلکه آن را ستایش و در ردیف امور ممدوح و ایجابی قرار داده است. این عده در مقام احتجاج به نمونه‌هایی چون دعای پیامبر گرامی اسلام برای حشر با مستمندان که فرمود «اللهم احشرنی فی زمره المساکین یوم القیمه» و یا سفارش آن حضرت به گرمی داشتن فقرا که فرمودند «من اکرم

فقیراً مسلماً لقی الله يوم القیمه و هو عنه راض» اشاره می‌نمایند و اسلام را به نوعی متهم به اعراض از دنیا و ترغیب افراد به فقر می‌کنند. این در حالی است که همه می‌دانیم که فقر یکی از تلخ‌ترین پدیده‌ها در مذاق شرایع آسمانی است، تا جایی که پیامبر اکرم(ص) در موارد زیادی از آن به خدا پناهنده می‌شوند: اللهم انی اعوذبک من الکفر و الفقر و در روایتی علت این امر را در احتمال انجامیدن فقر به کفر بیان می‌کنند: لولا رحمہ ربی علی فقراء امتی، کاد الفقر ان یكون کفرأ (موسویان، ۱۳۸۰: ۳۷-۸). اسلام با چنین فقری به طور پیگیر و اصولی به مبارزه برخاسته و با ارائه برنامه‌های کوتاه مدت و بلند مدت، به ریشه کنی آن همت گماشته است و اگر دولت‌ها آن برنامه‌ها را در دستور کار مسائل اقتصادی و اجتماعی خویش قرار بدهند، کمک شایانی به پر کردن شکاف طبقاتی خواهند نمود.

بدین ترتیب مشاهده می‌شود که اسلام، فقر را یک معضل اجتماعی تلقی می‌نماید که حتی می‌تواند زمینه اعراض و رویگردانی افراد از شریعت را نیز فراهم آورد. دقیقاً به دلیل اهمیت وافر کنترل این پدیده مذموم اجتماعی است که اسلام پیشنهادهای مشخصی برای ترمیم ساختار اقتصادی جامعه پیشنهاد می‌کند. یکی از برنامه‌های اسلام که با هدف رفع تضاد طبقاتی چشمگیر در جامعه اجرا می‌گردد، خارج نمودن ثروت‌های ملی و طبیعی چون معادن و جنگل‌ها و کوه‌ها از دایره مالکیت خصوصی افراد است. بدین ترتیب یکی از مهم‌ترین زمینه‌های انحصارطلبی و برخورداری انسان از آزادی‌های نامحدودی که می‌تواند به برخی قدرت فوق العاده‌ای برای تسلط بر دیگران بدهد، برچیده می‌شود و محدودیت‌های مشخصی بر میل و زیاده‌طلبی ذاتی انسان زده می‌شود.

از جمله فرامین اسلام در راه ایجاد رفاه اقتصادی عمومی زکات دادن می‌باشد که شخص را پس از اقرار به یگانگی خداوند و به جا آوردن نماز، در زمره امت اسلام قرار می‌دهد: فان تابوا واقاموا الصلوه واتوا الزکوه فاحوانکم فی الدین(سوره توبه: ۱۱). اسلام در موضوع رفع فقر علاوه بر نقش حکومت و نقش جامعه نیز تأکید زیادی دارد و از جامعه می‌خواهد که پرداخت زکات را یک عمل عبادی داوطلبانه بداند تا روابط برادرانه بین مؤمنان استحکام بخشیده شود. زکات بر این فلسفه روشن اسلامی مبتنی است که مالک واقعی ثروت خداست و این که مالکیت صرفاً به انسان‌ها سپرده شده است تا از ثروتی که به دست آورده است در راستای بهبود زندگی خود و دیگران استفاده کنند(زین‌العابدین، ۱۳۷۷: ۶۱). بدین ترتیب حکومت‌های

اسلامی می‌توانند با سرمایه‌گذاری و استفاده مؤثر از این قبیل آموزه‌های متعدد مذهبی در باب جلوگیری از انحصار، تأکید بر دستمزد عادلانه و مقابله با توزیع ناعادلانه درآمد، حرمت ربا، منع احتکار و ... کمک شایانی به بسیج کامل توانمندی‌های بومی جامعه مسلمان در راستای محو و ریشه‌کن‌سازی فقر و گرسنگی بنمایند.

نگاه الگوی پیشرفت اسلامی به ریشه‌کن‌سازی بی‌سوادی

سازمان آموزشی، علمی و فرهنگی سازمان ملل متحد (یونسکو) در یکی از گزارش‌های جدید خود به رغم ابراز ناامیدی از تحقق اهداف آموزشی طرح توسعه هزاره، جمهوری اسلامی ایران را در عداد کشورهایی با پیشرفت بالا در ارتقای سطح آموزش همگانی معرفی کرده است. در این گزارش آمده است پنجاه و هفت میلیون کودک در جهان، تنها به علت حضور نیافتن در مدرسه و یا کیفیت پایین استانداردهای آموزش، از یادگیری مناسب محروم هستند و کودکانی هم که به مدرسه راه یافته‌اند، کیفیت ضعیف آموزش موجب عقب افتادن یادگیری آنها شده است. در این گزارش تأکید شده است که یک سوم کودکان در سن مدرسه (خواه امکان حضور در مدرسه را بیابند یا نیابند) مقدمات آموزش را نیز فرا نمی‌گیرند و بیش از ۱۷۵ میلیون جوان در کشورهای فقیر، یعنی چیزی معادل یک پنجم جمعیت جهانی جوانان نیز سواد و توانایی خواندن ندارند^۱.

مطابق آموزه‌های شریعت اسلام، خداوند در قرآن کریم با صراحت تعلیم را یکی از اهداف برانگیخته شدن پیامبر اکرم (ص) دانسته و فرموده است خداوند در میان جمعیت درس نخوانده، رسولی از خودشان برانگیخت که آیاتش را بر آنان می‌خواند و آنان را تزکیه می‌کند و به آنان کتاب و حکمت می‌آموزد. با توجه به اینکه یکی از اهداف بعثت پیامبر گرامی اسلام نیز تعلیم و تعلم است، ایشان در گفتار و رفتار خود بارها به اهمیت علم، آموختن و نقش آن در تکامل

۱- یونسکو از تحقق اهداف آموزشی توسعه هزاره در دهه‌های آینده ابراز ناامیدی کرد. قابل دستیابی در:

زندگی انسان تأکید و سفارش کرده‌اند. مطابق احادیث معتبر پیامبر اکرم (ص) دو گروه را در مسجد دیدند که گروهی مشغول عبادت بودند و گروهی نیز سرگرم مذاکره و بحث علمی. آن حضرت رفتن به نزد گروه دوم را بر پیوستن به جمع عبادت‌کنندگان ترجیح داده و درباره این رفتار خود می‌فرمایند من برای تعلیم فرستاده شده‌ام.

فلذا مشاهده می‌شود که تحصیل علم از نظر اسلام یک ضرورت مطلق است و هیچ قید و شرط زمانی، مکانی، فردی و هیچ قید و محدودیت دیگری ندارد. از حدیث معروف اطلبوا العلم و لو بالصین (علم را بطلبید حتی اگر در چین باشد) در می‌یابیم که از نظر اسلام، طلب علم فریضه‌ای است که موقعیت و مکان خاصی نمی‌شناسد. همچنین حدیث معروف اطلبوا العلم من المهد الی اللحد (ز گهواره تا گور دانش بجوی) نشان می‌دهد علم‌آموزی، محدودیت زمانی ندارد. افزون بر این حدیث بسیار معروف و مشهور پیامبر را که فرمود طلب العلم فریضه علی کل مسلم و مسلمه (علم آموزی بر هر مسلمانی واجب است) هر کدام دلیل و اماره محکمی است بر اثبات وجوب و ضرورت آموزش و تعلیم و تعلم در اسلام. عطف به آموزه‌های دینی زیادی که در حوزه تقدس علم‌آموزی وجود دارد، می‌توان پیش‌بینی کرد که در صورت استفاده مطلوب سازمان‌های غیردولتی و مردم نهاد از این پشتوانه نظری، ظرفیت بالایی برای بسیج تمامی نیروهای جامعه در جهت ریشه‌کن‌سازی بیسوادی و ارتقاء سطوح کیفی حوزه آموزش به وجود خواهد آمد.

نگاه الگوی پیشرفت اسلامی به توانمندسازی زنان و ارتقاء جایگاه مادران

نگاهی به سیر تحولات تاریخ بشر ما را بدین حقیقت تلخ رهنمون می‌سازد که زن‌ها در بسیاری از مقاطع تاریخی با محرومیت‌ها و ممنوعیت‌های فردی و اجتماعی فراوانی رو به رو بوده‌اند و غالباً حقوق انسانی آنها تحت حاکمیت انگاره‌های تبعیض‌آمیز فرهنگ‌های مردسالار تزیین شده است. زنان در طول تاریخ به دلیل قدرت بدنی ضعیف‌تر در مقابل مردان و به دلیل تفکرات غلط و برخی آداب و رسوم اشتباه نیز مورد ظلم و ستم قرار گرفته‌اند. بر همین اساس است که یکی از مهم‌ترین دغدغه‌های مندرج در اهداف هزاره ناظر به وضعیت زنان می‌باشد که در این میان مشخصاً بر توانمندسازی زنان و بهبود وضعیت زیست و سلامت مادران تأکید شده است. اما اسلام زن را چگونه موجودی می‌داند؟ آیا از نظر شرافت و حیثیت انسانی، او را برابر با مرد

می‌داند و یا او را جنس پست‌تر می‌شمارد؟ اگر چنان که اسلام ستیزان می‌گویند اسلام زن را انسان تمام عیار می‌داند چرا ریاست خانواده را به شوهر داده و زن را جیره خوار و واجب‌النفقه مرد قرار داده است؟ شهید مطهری در پاسخ به این شبهات می‌فرماید اسلام در مورد حقوق خانوادگی زن و مرد، فلسفه خاصی دارد که با آن چه در چهارده قرن پیش می‌گذشته و با آن چه در جهان امروز می‌گذرد، مغایرت دارد. اسلام برای زن و مرد در همه موارد، یک نوع حقوق و یک نوع وظیفه و یک نوع مجازات قائل نشده است. پاره‌ای از حقوق و تکالیف و مجازات‌ها را برای مرد مناسب‌تر دانسته و پاره‌ای از آنها را برای زن و در نتیجه، در مواردی برای زن و مرد، وضع مشابه و در موارد دیگر، وضع نامشابهی در نظر گرفته است. اصلی که در استدلال سؤال فوق‌الذکر به کار رفته این است که لازمه اشتراک زن و مرد در حیثیت و شرافت انسانی، یکسانی و تشابه آنها در حقوق است اما حقیقت این است که برابری، غیر از یکنواختی است و اسلام هر چند حقوق مشابه و یک نواختی برای زن و مرد قائل نشده است ولی امتیاز و ترجیح حقوقی برای مردان نسبت به زنان نیز قائل نمی‌باشد. اسلام با تساوی حقوق زن و مرد مخالف نیست؛ با تشابه حقوق آنها مخالف است (مطهری، ۱۳۶۹: ۱۱۵-۱۱۱).

یکی دیگر از نظرات تحقیرآمیزی که از دیرباز درباره زن وجود داشته این است که می‌گفته‌اند زن مقدمه وجود مرد است و برای مرد آفریده شده است. اسلام هرگز چنین سخنی ندارد. اسلام اصل علت غایی را در کمال صراحت بیان می‌کند. اسلام با صراحت کامل می‌گوید زمین و آسمان، ابر و باد، گیاه و حیوان، همه برای انسان آفریده شده‌اند، اما هرگز نمی‌گوید زن برای مرد آفریده شده است. اسلام می‌گوید هر یک از زن و مرد برای یکدیگر آفریده شده‌اند: هن لباس لکم و اتم لباس لهن. فلذا اسلام برای تمام انسان‌ها (چه زن و چه مرد) شخصیت و فطرت مشترکی قائل است و خمیرمایه اولیه آنها را در آفرینش یکسان می‌داند. از نظر حقوقی نیز قرآن کریم، مرد و زن را مورد توجه قرار داده و می‌فرماید: *وَلَهُنَّ مِثْلُ الَّذِي عَلَيْهِنَّ* یعنی هر حقی که مرد بر گردن زن دارد، به همان اندازه زن نیز بر عهده مرد حقوقی دارد. نیز می‌فرماید: *لِلرِّجَالِ نَصِيبٌ مِّمَّا كَتَبْنَا وَ لِلنِّسَاءِ نَصِيبٌ مِّمَّا كَتَبْنَا* یعنی برای مردان از تلاش‌های اقتصادی آنها بهره‌ای است و برای زنان نیز همان بهره از تلاش‌های اقتصادی آنهاست و مردان نمی‌توانند به ناحق سهم آنها را نیز به خود اختصاص دهند.

شریعت اسلام در بزرگداشت مقام مادران نیز تأکید فراوانی دارد و با وجود این که پدر و مادر

هر دو حق بزرگی بر فرزندان دارند، اما در مورد احترام گذاردن و تکریم مادران سفارش بیشتری شده است. قرآن درباره حضرت مریم، مادر حضرت عیسی (ص)، می‌گوید کار او به آنجا کشیده شده بود که در محراب عبادت همواره ملائکه با او سخن می‌گفتند و گفت و شنود می‌کردند، از غیب برای او روزی می‌رسید. خداوند در هر یک از این آیات، با عظمت از مادر یاد کرده و به نوعی از مقام او تمجید نموده است. چرا که وحی و الهام مستقیم خدا به مادر حضرت موسی (ع)، اظهار ارادت و نیکویی عیسی (ع) به مادر، بیان زحمات و رنج‌های مادر در قرآن کریم و همچنین دستور حق تعالی به احسان و نیکی نسبت به پدر و مادر، همه و همه گواه بر رفعت جایگاه مادر است.

بدین ترتیب مشاهده می‌شود آنچه در خصوص ضرورت حفظ جایگاه و موقعیت زن به عنوان یک موجود بشری برابر با مرد مورد نظر اعلامیه هزاره است و آنچه که در خصوص ضرورت‌های رسیدگی همه جانبه به وضعیت و جایگاه مادران در جوامع بشری مطمح نظر است، پیش و بیش از این در تعالیم اسلامی مورد تأکید قرار داشته است و حکومت اسلامی می‌تواند از این پشتوانه اندیشگی و اعتقادی برای تسریع در دستیابی به هدف توانمندسازی زنان بهره‌برداری نماید. بدیهی است که حرکت به سمت توانمندسازی وضعیت زنان در یک جامعه اسلامی ضرورتاً متناسب با الزامات نظام دینی صورت خواهد پذیرفت و در این مورد از آنجا که اختلافات اساسی درباره مصادیق توانمندسازی زنان بین جوامع مسلمان و غیر مسلمان وجود دارد، سیر حرکتی هر یک از این جوامع یکسان نخواهد بود. این بدان معنی است که در تفکر اسلامی مقولاتی مانند برابری مطلق جنسیتی و تساوی عینی حقوقی زن و مرد محل اشکال جدی واقع می‌شوند و لذا امکان بومی‌سازی کثیری از مصادیق غربی آزادی و مشارکت اجتماعی زنان فراهم نخواهد بود.

نگاه الگوی پیشرفت اسلامی به بهبود شرایط زیستی اطفال

کودکان را می‌توان آسیب‌پذیرترین گروه جامعه انسانی و در زمره نخستین کسانی دانست که در معرض هجوم مستقیم انواع ناهنجاری‌ها، فشارها و مشکلات ناشی از زندگی انسان‌های بزرگسال قرار دارند و آن را تحمل می‌کنند. امروزه میلیون‌ها کودک در سراسر جهان به خاطر بی‌سرپرستی، بدسرپرستی، آوارگی‌های ناشی از جنگ و بلاهای طبیعی، تغذیه نامناسب،

آلودگی به انواع بیماری‌های خطرناک، اعتیاد والدین و مشکلات ناشی از طلاق، در شرایط زیستی دشواری به سر می‌برند و در معرض انواع سوءاستفاده‌های انسانی مانند توزیع مواد مخدر، بهره‌کشی جنسی و کار اجباری قرار دارند و حقوق انسانی‌شان مکرر نقض می‌شود (با فکار، ۱۳۸۷: ۱۰۵).

کودک یا صغیر در اصطلاح حقوقی به کسی گفته می‌شود که از نظر سن به نمو جسمی و روحی لازم برای اداره زندگی اجتماعی نرسیده باشد (عبادی، ۱۳۷۱: ۵). اصولاً در جهان معاصر احترام به حقوق کودکان، به عنوان یک بینش اساسی در تربیت آنان و حمایت و مساعدت همه جانبه در رشد فکری و سلامت روحی و روانی آنها به شمار می‌رود و اندیشه محترم شمردن این حقوق و مساعدت همه جانبه در رشد فکری و سلامت روحی و روانی اطفال از الزامات تفکر تمدنی بشر به شمار می‌رود (بهشتی، ۱۳۷۷: ۴۳). بررسی وضعیت نوجوانان یا جوانان بزهکار نشان می‌دهد که در اکثر موارد حقوق آنان در ایام کودکی تضییع شده و یا بنا بر شرایطی یکی از شکنجه‌های روحی و روانی را تجربه کرده‌اند. آنچه که ادیان الهی خصوصاً اسلام راجع به حقوق ذاتی کودک مطرح نموده‌اند، در بسیاری از موارد در کنوانسیون حقوق کودک نیز یادآوری شده و جامعه جهانی برای حصول به آن ترغیب شده‌اند. اساساً امروزه قضات اطفال، قبل از تکلیف خود در رسیدگی به جرایم کودکان و نوجوانان کجرو اجتماعی و بزهکار، بیش از همه به شخصیت یک کودک و نقش تربیتی خود توجه دارند.^۱

یکی از مکاتبی که به حقوق اطفال و کودکان توجه جدی نموده و حقوق کودک را از زمان انعقاد نطفه در رحم مادر تا دیگر مراحل مورد توجه قرار داده، شریعت اسلام است. در تبیین دیدگاه دین اسلام درباره حقوق و دستورها و دستاوردهای آن را در این زمینه تقسیم‌بندی‌های زیادی ارائه شده است. حق حیات، حق شیرخوارگی، حق نام‌گذاری و نام‌نیکو، حقوق مالی و تأمین آتیه فرزندان از جمله حقوق مادی مورد نظر اسلام است. حقوق معنوی کودک را نیز می‌توان در سه بخش تقسیم‌بندی نمود: حقوق هدایتی شامل دعا کردن، استغفار و طلب توبه، توجه به دین و خط فکری صحیح، حقوق تربیتی شامل نصیحت و موعظه کردن،

۱- حیدری، علی، تحول حقوق کودک در اسلام و مقایسه‌ی آن با کنوانسیون حقوق کودک: (تاریخ دستیابی: آذر ۱۳۹۳)

مسئولیت‌پذیری، پرورش و آموزش تجربه‌ها و بالاخره حقوق روانی شامل محبت و احترام، اعتماد و مشورت، نگرانی و مراقبت (ایروانی، ۱۳۹۱: ۶۸). در آموزه‌های اسلامی همچنین بیشترین مسئولیت در قبال کودک، بر دوش والدین است که به آن «حق الوالد علی الوالد» می‌گویند.

قرآن کریم در زمانی که کودک کشتی و خصوصاً دخترکشتی به رسم متعارفی تبدیل شده بود در سوره اسراء آیه ۳۱ چنین می‌گوید که از بیم تنگدستی فرزندان خود را نکشید، ماییم که به آنها و شما روزی می‌بخشیم. از طرفی تغذیه کودک با شیر مادر یکی از مهم‌ترین محورهای تأمین سلامت اطفال و مقاومت جسمی آنها در برابر امراض و بیماری‌های کشنده است. در بحث رضاع، قرآن کریم در سوره بقره آیه ۲۳۳ می‌فرماید: و مادران می‌بایست دو سال کامل فرزندان خود را شیر بدهند و اصولاً وظیفه مادر در ایام شیرخوارگی ارجح خواهد بود. پس از آن تا دو سالگی نسبت به پسر و برای دختر تا ۷ سالگی شایسته‌تر است که طفل را سرپرستی نماید. و پیامبر(ص) کراراً در روایات خود با استناد به آیات قرآنی تأکید دارد، کودکان حقوق مسلمی را دارا هستند که می‌بایست به آن توجه نموده و به نحو شایسته به آنان پاسخ داد.

از دیدگاه قرآن کودک‌آزاری یک امر صد در صد مذموم است و در میان آیاتی که به این امر اشاره کرده است، می‌توان به آیه لا تُضَارَّ وَالِدَةُ بَوْلِدِهَا و لا مَوْلُودٌ لَهُ بِوَالِدِهِ (سوره بقره، آیه ۲۳۳) اشاره کرد به این معنا که مادر فرزند خود را در اثر خشمی که نسبت به پدر دارد از شیر رها نکند. همچنین پدر برای ضرر رساندن به مادر، نوزاد را از مادر نگیرد، زیرا نتیجه این عمل وارد آمدن ضربات جسمی و روحی به نوزاد است. آیه شریفه فوق دلالت روشنی نسبت به حرمت کودک‌آزاری در خانواده دارد که این امر یکی از جدی‌ترین اصول مورد تأکید در کنوانسیون‌های بین‌المللی حقوق کودک می‌باشد و قبل از هر چیز از ظرفیت بالای تعالیم دینی در تأمین حقوق اطفال حکایت می‌کند.

بدین ترتیب سازمان‌ها و گروه‌های دولتی و مردم‌نهاد فعال در جوامع اسلامی می‌توانند با استفاده و بهره‌گیری از این ذخایر آموزه‌های دینی نقش به‌سزایی در ریشه کن کردن مصائب پیش‌روی کودکان و اطفال آسیب‌پذیر ایفا کنند. معضل کودکان کار و محروم ساختن کودک از حق تحصیل یکی از مهم‌ترین موضوعات مبتلابه کودکان در جوامع امروز است که می‌بایست با استفاده از تمامی ظرفیت‌های موجود اجتماعی به مقابله با آن اقدام نمود. برای رسیدن به این هدف ارزشمند علاوه بر تدوین برنامه‌های مشارکتی بلند مدت و البته تخصیص بودجه‌های

مناسب، ضرورت بهره‌گیری از تجربه نسبتاً موفق کشورهای پیشرو در زمینه مبارزه با پدیده کودکان کار و بهره‌گیری از حمایت‌های سازمان‌های مردم‌نهاد بین‌المللی و داخلی و ایجاد بسترهای مناسب برای جلب مشارکت‌های مردمی می‌تواند مؤثر واقع شود.

نگاه الگوی پیشرفت اسلامی به توسعه بهداشت

در نظام بهداشتی اسلام، نظافت مؤمنان جزئی از ایمان و لازمه این امر معرفی شده است. در واقع یکی از ویژگی‌های دین اسلام، تشویق انسان به رعایت پاکی در ابعاد گوناگون زندگی است زیرا خواسته ذاتی و فطری هر انسان دوری از آلودگی‌های جسمی و روحی است. مکتب اسلام با قراردادن نظافت در برنامه عبادی فرد مسلمان، انگیزه‌های لازم را در او ایجاد می‌نماید تا بهداشت و پاکیزگی را رعایت نماید. در حقیقت و در ابتدایی‌ترین مقدمات انجام فرائض دینداری، می‌توان ادعا کرد که سفارش اسلام برای وضو ساختن پیش از هر نماز واجب و مستحبی در شبانه روز و یا غسل‌های واجب و مستحب، دلیل محکمی بر اهمیت پاکیزگی و نظافت، در آموزه‌های اسلام است (نورمحمدی، ۱۳۸۳: ۳۱).

پیامبر اسلام می‌فرماید: تنظفوا بکل ما استطعتم فان الله تعالی بنی الاسلام علی النظافه و لن یدخل الجنة الا کل نظیف (کنز العمال، ۱۳۶۷: ۲۶۰۰) به هر مقدار که می‌توانید نظافت را رعایت کنید؛ زیرا خداوند متعال اسلام را برپایه نظافت بنا نهاده است و هرگز کسی وارد بهشت نمی‌گردد، مگر این که پاکیزه باشد. بنابراین نظافت و بهداشت در اسلام، ضابطه‌مند و تحت نظام خاصی است به طوری که فرد مسلمان، خود را ملزم می‌داند بهداشت را امری شرعی و دینی بداند و آن را در هر حال و به طور مستمر رعایت نماید (حسینی، ۱۳۸۸: ۱۱۹-۱۱۸). قرآن و سنت بر اهمیت و تأثیر بهداشت در زندگی دنیوی و اخروی اشاره فراوان دارد، برای نمونه می‌توان به استناد یکی از مصادیق آیه ۱۹۵ سوره بقره وَلَا تَلْقُوا بِأَيْدِيكُمْ إِلَى التَّهْلُكَةِ؛ ضرورت رعایت بهداشت را برای پیشگیری از هلاکت استنباط کرد و چون مقدمه واجب، واجب است، رعایت بهداشت و پیش‌گیری از بیماری‌ها برای حفظ جان مسلمانان واجب خواهد بود و اگر آگاهانه و از روی عمد در حفظ جان مسلمانان کوتاهی شود، کاری شایسته عقوبت صورت پذیرفته است^۱.

۱ - حسین زاده، اکرم، جایگاه بهداشت در اسلام:

در اسلام همه کارها با توجه به فلسفه و هدف آفرینش انسان طراحی می‌شوند و چون آفرینش بیهوده نیست همه در برابر وظایف الهی، یکدیگر و جامعه اسلامی مسئول هستند. این سخن رسول خدا که من اصبح و لم یهتم به امور المسلمین فلیس بمسلم و کلکم راع و کلکم مسئول عن رعیتہ ابعاد این تکلیف همگانی را مشخص می‌کنند (محمدی‌ری شهری، ۱۳۶۷: ۵۳۰). بخشی از امر بر معروف و نهی از منکر، اموری که در ارتباط با سلامت فرد و جامعه است را در بر می‌گیرد و همان‌گونه که می‌دانیم این دو از واجبات و لازم‌الاجرا هستند لذا اداره امور بهداشتی، شناسایی عوامل بیماری و کنترل و آموزش آنها به همه مردم، بخشی از تکالیفی است که حداقل گروهی از انسان‌ها بر عهده دارند تا جلوی اتلاف جان‌ها را بگیرند.

آری چنان که در سند اهداف توسعه هزاره مشخص است دنیای کنونی در حالی که با سرعت قابل توجهی مرزهای دانش را طی می‌کند و درصدد است تا از نتایج آن در جهت رفاه و آسایش جسم و روح زندگی سالم بهره‌مند گردد، به دلیل یک جانبه بودن دستاوردهای علمی و دوری جستن از تعلیمات الهی در زمینه اخلاق و معنویت باعث شده تا با وجود همه این پیشرفت‌های سریع، آسایش و سلامت بشریت در زندگی ماشینی دستخوش تهدید جدی قرار گیرد و بیماری‌های جسمی و روحی ویرانگر و پرتلفاتی همچون "ایدز" و "مالاریا" را به ارمغان آورده به گونه‌ای که بر اساس آمار سازمان‌های جهانی شیوع این بیماری‌ها افزایش یافته و مبارزه علیه آنان به عنوان یکی از اهداف توسعه هزاره سوم قلمداد شده است.

امروزه بیماری‌های منتقله از راه جنسی به عنوان یک معضل بزرگ بهداشتی در کشورهای توسعه یافته و در حال توسعه مطرح می‌باشد و مطالعات نشان می‌دهند که هر روز حدود یک میلیون نفر به این بیماری‌ها آلوده می‌شوند به نحوی که سالیانه ۵ میلیون نفر مبتلا به ایدز جدید و ۳۴۰ میلیون نفر مبتلا به سایر بیماری‌های مقاربتی گزارش می‌شود. در دنیای امروز راه‌های عمده انتقال ایدز از دیدگاه سازمان‌های جهانی عبارتند از انتقال جنسی، انتقال از راه فرآورده‌های خون و انتقال از مادر به کودک و به همین دلیل عوامل اجتماعی بسیاری می‌تواند بر گسترش یا عدم گسترش این بیماری مؤثر باشند، از جمله این عوامل اخلاق و پابندی به ارزش‌های اخلاقی و عدم انجام

رفتارهای پرخطر می‌باشد. در این بین انتقال از طریق آمیزش جنسی که اولین راه و در حال حاضر شایع‌ترین راه نیز می‌باشد بسیار حایز اهمیت است به گونه‌ای که از ۴۲ میلیون نفر مبتلا به ایدز (یک درصد جمعیت بزرگسال جهان) حدود ۷۰ درصد آلوده‌شدگان به ایدز در جهان از طریق ارتباط جنسی به بیماری مبتلا شده‌اند.^۱

پر واضح است که وجود شرکاء جنسی متعدد و روابط جنسی پر خطر احتمال آلودگی به ایدز را افزایش می‌دهد. دین اسلام به حکم آیه ۳۲ سوره اسراء با تحریم روابط نامشروع نقش این عامل را در انتشار بیماری‌های مقاربتی نظیر ایدز، سفلیس و سوزاک متذکر می‌شود. همچنین خداوند در سوره اعراف آیه ۳۳ اشاره می‌کند که بگو ای پیامبر که پروردگار من حرام گردانیده هر نوع فواحش آشکار و پنهانی را. محدودیت در روابط با نامحرمان در سوره نساء و تعیین محدوده شرعی و تک همسری جملگی دستورالعمل‌هایی در اسلام برای کاهش بیماری‌های جنسی می‌باشند. همچنین قرآن کریم نزدیکی با فواحش را زیان‌آور و موجب گسترش بی‌بند و باری جنسی و بیماری‌های جسمی، روانی و اجتماعی می‌داند. از حضرت محمد(ص) نقل شده است که در صورت گسترش بی‌بند و باری جنسی و علنی شدن آن، بیماری‌هایی در جامعه آشکار می‌شوند که در میان گذشتگان نبوده است. نمونه بارز آن بیماری‌های مورد نظر، وجود ایدز در زمان ما می‌باشد که بیشترین راه انتقال آن جنسی است و به عنوان یک بیماری نوپدید تلقی می‌گردد که در گذشته وجود نداشته و اکنون گریبان‌گیر جامعه بشری گردیده است، به گونه‌ای که راه پیدایش آن نیز ابتدا از طریق رفتارهای پرخطر جنسی مورد شناسایی قرار گرفته است. از این رو می‌توان مدعی بود که اگر پابندی به آموزه‌های دین اسلام در روابط بین فردی حکم فرما بود اکنون شاید شاهد تجلی بیماری مهلکی تحت عنوان ایدز در این ابعاد در اجتماعات بشری نبودیم (شمسی، ۱۳۸۹: ۹۴-۹۳).

در ارتباط با مالاریا به عنوان دومین بیماری مورد نظر و مندرج در سند اهداف توسعه هزاره نیز می‌توان گفت که امروزه سازمان‌های جهانی بهداشت یکی از راه‌های موثر مبارزه با بیماری مالاریا را به‌سازی محیط از طریق زه‌کشی و جلوگیری از تخریب منابع طبیعی و پوشش‌های گیاهی جهت جلوگیری از تکثیر کانون‌های آلوده پشه آنوفل می‌دانند در حالی که اسلام ۱۴۰۰

^۱ -http://www.who.int/gho/hiv/epidemic_status/deaths_text/en/

سال پیش دغدغه بهداشت محیط را مطرح نموده و می‌توان گفت چنانچه پایبندی به این اصل در تمام دنیا وجود داشت طبیعتاً مقادیر بروز و شیوع این بیماری اکنون در حدی نبود که مبارزه با آن به عنوان یکی از اهداف توسعه هزاره سوم از طرف سازمان‌های جهانی معرفی شود. یکی دیگر از عوامل موثر بر گسترش و افزایش شیوع بیماری مالاریا تغییرات اکولوژیکی و آب و هوایی می‌باشد که نقش منابع آبی، رودخانه‌ها و دریاچه‌ها و همچنین منابع و پوشش‌های گیاهی در بروز و پیدایش این تغییرات، عظیم می‌باشد به گونه‌ای که استفاده نامناسب از این منابع و تخریب آنها باعث اشاعه آلودگی‌هایی با منشأ زیست‌محیطی و مساعد شدن زمینه برای گسترش بیماری‌ها از جمله مالاریا می‌گردد، این در حالی است که آب و رعایت بهداشت آب در اسلام از اهمیت زیادی برخوردار بوده است. قرآن شدیداً از ضایع کردن و نابود کردن منابع به ویژه منابع آب ممانعت کرده است. در این ارتباط حضرت محمد(ص) نیز می‌فرماید دفع زباله‌ها یا ادرار و مدفوع در آب‌ها و به خصوص آب‌های راکد در عداد مظالم محسوب می‌شود و بر همین اساس است که در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران نیز که بر اساس متون دین اسلام تدوین گردیده است در اصل پنجاهم آلوده کردن آب از طریق زباله، نخاله و پسماندها و غیره جزء جرایم زیست محیطی به حساب آمده است(شمسی، ۱۳۸۹: ۹۳-۹۲).

با مرور اجمالی دستورات شارع در خصوص ایده‌آل‌های بهداشت، سلامت، رفاه و توسعه سطح زندگی بشر در هزاره سوم مشخص می‌گردد که حکومت اسلامی از ظرفیت فرهنگی ممتازی برای ارتقاء سطح شاخص‌های توسعه در جامعه برخوردار می‌باشد. در هزاره‌ای که دولت‌ها برای وارد ساختن انگاره‌های زندگی مطلوب در ذهن شهروندان خود میلیون‌ها دلار صرف تبلیغات و پروپاگاندا می‌کنند، دولت‌های مسلمان می‌توانند با تکیه بر زمینه اعتقادی شهروندان مسلمان و برجسته ساختن حقوق و تکالیف مذهبی که بی‌نیاز از مشوق‌های مالی نیز قابل اجرا خواهد بود، خدمت بزرگی به آزادسازی این استعداد بالقوه فرهنگی در مسیر توسعه راهبردی جامعه بنمایند. اهمیت رواج این سرمایه فرهنگی و عقیدتی در مناسبات اجتماعی جوامع مسلمان از آنجا نشأت می‌گیرد که با سنخ‌شناسی رویکردهای توسعه‌محور در ۱۵ سال گذشته این نتیجه به دست می‌آید که الگوهای توسعه جهانی برای بومی شدن و استقرار، ضرورتاً محتاج مبانی نظری محلی هستند که بتواند هویت فرهنگی را به عنوان پشتوانه بسیج سرمایه اجتماعی در مسیر توسعه پایدار به خدمت بگیرد.

در انتهای بدنه تحلیلی تحقیق، به نظر می‌رسد این نکته باید مورد باز تأکید قرار بگیرد که اصولاً در نگاه نویسنده این مقاله، هیچ یک از "مصادیق" اهداف هزاره توسعه ضرورتاً مورد تأیید نمی‌باشند و آنچه مطمح نظر نویسنده است تنها شناسایی و تحلیل اهداف کلانی است که برای بهبود شرایط زندگی در جوامع انسانی معرفی شده است. بدیهی است در صورتی که این اهداف در نظام ارزشی جوامع مسلمان واجد مطلوبیت تشخیص داده شوند، تنها با ملحوظ داشتن مختصات فرهنگی و بومی همان جوامع مسلمان است که قابلیت عملیاتی شدن پیدا خواهند کرد.

نتیجه

اعلامیه هزاره که علی‌القاعده منعکس کننده ارزش‌ها، اصول و اهداف جامعه جهانی در قرن بیست و یکم بوده و می‌بایست منجر به تصحیح مسیر حرکت فرآیند جهانی شدن گردد، در حالی که پایان بازه زمانی پانزده ساله خود برای تحقق اهداف هشت گانه هزاره سوم می‌رسد که مع الأسف جهان همچنان از مصایب فقر و گرسنگی، بیسوادی، تخریب محیط زیست، تضییع حقوق زنان و مادران، سلامت اطفال و شیوع بیماری‌های مهلک در رنج است. نتایج این تحقیق نشان می‌دهد که برای شتاب دادن به جریان توسعه، لاجرم باید در جهت درونی سازی مؤلفه‌های این مفهوم در نظام تفکر و اندیشگی افراد حرکت نمود و یکی از مهم‌ترین مکانیسم‌ها برای تقویت التزام درونی افراد به محورهای توسعه، پر رنگ‌سازی هر چه بیشتر باورها و آموزه‌های مذهبی می‌باشد. در این ارتباط تلاش گردید تا با واکاوی بخشی از تعلیمات مذهب اسلام که جزو متعلقات نظام فکری بیش از یک میلیارد مسلمان در کره خاکی می‌باشد، ثابت گردد که می‌توان با کم‌ترین هزینه در جهت تحقق اهداف قابل قبول از این قابلیت‌ها و ظرفیت‌های بومی بهره گرفت. بدیهی است در صورتی که اهداف توسعه این قابلیت را داشته باشند که در زمره تعهدات، تکالیف و باورهای مذهبی افراد درآیند، انگیزه مضاعفی برای مشارکت جمعی در امر توسعه پایدار فراهم می‌گردد و نظام اسلامی به راحتی می‌تواند از این داشته‌ها و سرمایه‌های زاید الوصف برای سوق دادن "حقوق فردی" به "تکالیف همگانی" استفاده نماید.

منابع

- اسم حسینی، غلامرضا (۱۳۸۸)، نظام بهداشت و سلامت در اسلام، **قرآن و علم**، ۵، ۱۴۴-۱۱۴.
- امید، جلیل و فرهاد یوسفی پور (۱۳۹۳)، موقعیت و مبانی ارزش گذاری محیط زیست و لزوم مقابله با آلاینده‌ها در اسلام، **مطالعات فقه و حقوق اسلامی**، ۱۰، ۳۰-۷.
- امین زاده، بهناز (۱۳۸۱)، جهان‌بینی دینی و محیط زیست؛ درآمدی بر نگرش اسلام به طبیعت، **محیط شناسی**، ۲۹، ۱۰۶-۹۷.
- ابروانی، جواد، و مهدی عبادی (۱۳۹۱)، بررسی تطبیقی حقوق کودک در قرآن و کنوانسیون حقوق کودک، **قرآن و علم**، ۱۱، ۸۶-۶۵.
- بافکار، حسین (۱۳۸۷)، نگاهی به حقوق کودک در اسلام و کنوانسیون حقوق جهانی، **طوبی**، ۲۷، صص ۱۱۲-۱۰۵.
- بهشتی، احمد (۱۳۷۷)، **اسلام و حقوق کودک**، قم، دفتر تبلیغات حوزه علمیه قم.
- توسلی، محمداسماعیل (۱۳۸۴)، مذاهب فقهی جهان اسلام در رویارویی با چالش فقر، **اندیشه تقوی**، ۲، صص ۱۲۲-۹۱.
- حسام الدین الهندی، علاء الدین (۱۳۶۷)، **کنز العمال**، ج ۲، بیروت: مؤسسه الرساله.
- خان محمدی، کریم (۱۳۸۴)، جامعه اطلاعاتی و دین، **ره آورد نور**، ۱۳، صص ۲۱-۱۴.
- زین العابدین، طیب (۱۳۸۹)، زکات و کاهش فقر در جهان اسلام، مترجم: محمد عباس پور، **فصلنامه مشکوه**، ۵۸، صص ۸۸-۵۱.
- شمسی، محسن، فرخنده امیر شکروی، محمود کریمی و سعید بشیریان (۱۳۸۹)، اهداف توسعه هزاره سوم: مبارزه با بیماری‌ها، ایدز و مالاریا از دیدگاه قرآن و منابع اسلامی، **مجله دانشگاه علوم پزشکی اراک**، ۴، ۹۷-۸۷.
- عبادی، شیرین (۱۳۷۱)، **حقوق کودک**، تهران، روشنگران و مطالعات زنان.
- مطهری، مرتضی (۱۳۶۷)، **مسئله شناخت**، تهران: انتشارات صدرا.
- مطهری، مرتضی (۱۳۶۹)، **نظام حقوق زن در اسلام**، تهران: انتشارات صدرا.
- محمدی ری شهری، محمد (۱۳۶۷)، **میزان الحکمه**، قم: دفتر تبلیغات اسلامی.
- موسویان، سید عباس (۱۳۸۰)، عدالت محور آموزه‌های اقتصادی اسلام، **فصلنامه تخصصی اقتصاد اسلامی**، ۱ (۴) صص ۵۹-۳۵.
- نصر، سید حسین (۱۳۷۷)، دین و بحران زیست محیطی، **مجله نقد و نظر**، ۱-۲، صص ۱۰۷-۸۸.
- نورمحمدی، غلامرضا (۱۳۸۳)، نگرشی به مفهوم طب اسلامی، **پژوهش و حوزه**، ۱۷ و ۱۸، صص ۴۶-۱۸.